سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. در مکتب زیارت که محلّ ظهور و تجلّی حقایق والای ولایت بدون الزام به تقیّه بوده، بارها بر این واقعیت خردپسند تأکید شده که خاستگاه جسمی پیامبران و امامان راستین الهی، در جایگاه بلندی قرار دارد که همواره خطاب به معصومان، از زبان معصومان دیگر، عباراتی می‌خوانیم، مانند:

اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة

اشهد انک طهر طاهر مطهرّ من طهر طاهر مطهرّ

۲. در منشورهای گران سنگ عقاید که تحت عنوان زیارتنامه‌ها در اختیار ما قرار گرفته، بر حقیقت روشنِ یاد شده به تعبیرهای دیگر تأکید شده است:

لم تنجسّک الجاهلیة بأنجاسها و لم تلبسک المدلهمّات من ثیابها

یعنی که آلودگی شرک و کفر و فسوق هرگز بر دامان آسمانی شما و گذشتگان شما ننشسته است.

۳. واقعیت این است که بشر همواره در درک معرفت خدای عزّوجلّ قصور و تقصیر داشته و دارد، چنانکه آفریدگار سبحان خود، خطاب به آفریدگان آشکارا اعلام می‌دارد: "و ما قدروا الله حقّ قدره".

امّا خردورزانی که برای شناخت خدای تعالی، از کلام حجت‌های معصوم او بهره می‌گیرند، گام در میدان تنزیه نهاده‌اند و بر آن پای می‌فشارند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.3.9]

۴. از پیامدهای تنزیه خدای سبحان، تعظیم و تجلیل مقام شامخ پیامبران و جانشینان راستین آنان است که سفیر و فرستاده و حجّت خدای بزرگ هستند. به ادلّه‌ای که در جای خود روشن شده، چهارده نور پاک در این میان جایگاه ویژه دارند. آن گرامیان، "مَثَل اعلی" هستند برای خدایی که: "لیس کمثله شیء". با قدری مسالحه در تعبیر، می‌توان گفت که انوار مقدّس معصومان، در رتبهٔ مخلوقیت، "مَثَل" برای تنزیه است، یعنی که با دیگر آفریدگان قابل قیاس نیستند.

بزرگوارانی که خدایشان با وصف "انهم عندنا لمن المصطفین الاخیار" ستوده، در کالبد تنگ وهم و فهم ما نمی‌گنجد. اوج عروج کلام در چنین جایگاهی ورای وهم و فراتر از فهم همگان است.

۵. سرانجام می‌رسیم به این بیان روشن امام همام امیر مؤمنان علیه‌السلام که: "لا یقاس بآل محمد من هذه الامة احد". زیرا که آل محمد، حجّت خدایی هستند که: "لا یقاس بالناس". از جلوه‌های این بیان الهی، آنکه اگر در وصف برخی آفریدگان، کریمهٔ "یخرج الحیّ من المیت" صادق باشد، دربارهٔ آن گرامیان هرگز چنین نیست.

۶. معصومان قبل از ورود به دنیای خاکی، نور پاره‌هایی بودند عرش‌نشین، که به حکم و امر و مصلحت الهی گام به این خاکدان نهادند. این حقیقت را امام هادی سلام الله علیه در جمله‌ای از زیارت جامعه کبیره، در کمال ایجاز و بلاغت چنین بیان می‌دارد: "خلقکم الله انوارا فجعلکم بعرشه محدقین حتّی منّ علینا بکم فجعلکم فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکرفیها اسمه".

۷. این گوهر الهی، هیچ نسبتی با عالم خاک ندارد، جز اینکه برای خاک نشینان، هدایتگر است؛ همان گونه که ستاره در اوج آسمان راهنمای زمینیان است بدون اینکه دست آنان بدان برسد. امام رضا علیه‌السلام در وصف امام معصوم می‌فرماید:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.3.9]

"و هو بحیث النجم من ایدی المتناولین".

۸. آن گوهر یکدانهٔ الهی وقتی قرار است در عالم خاک نورافشانی کند، در صدفی جای می‌گیرد که پاک‌ترین و مقدّس‌ترین صدف باشد. بدین روی، به جملات نخستین این قلم انداز باز می‌گردیم که اصلاب و ارحامِ حامل چنین نورهایی، برتر از دیگران‌اند، بلکه غیرقابل قیاس با معاصران خود.

برگ برگِ تاریخ – حتّی بعد از دستبرد ظلمت پرستان بدان – شعاع‌هایی از این مدّعای درخشنده را به ما می‌نمایاند.

۹. حماسهٔ شکوهمند حضرت ابوطالب علیه‌السلام در چنین منظومه‌ای از معرفت جای دارد و در این فضا قابل بیان است. کمتر از این بیان، هرچه باشد – گرچه بیان‌هایی که جنبهٔ تدافعی دارد، یعنی قصد دفاع از مؤمن بودن و مشرک نبودن آن گرامی وجود آسمانی – کسر شأن آن حضرت است، دریغا که گاهی اوقات ناگزیر از آنیم.

۱۰. کاش چنین اضطراری در میان نمی‌بود. کاش مخالفان مجال بر ما نمی‌بستند تا فرصت محدود را از مباحث تبیینی برگردانیم و به مباحث احتجاجی روی آوریم. کاش می‌توانستیم فارغ از این احتجاج‌ها و مناظره‌ها، زمان مختصر خود را به کاوش در لایه‌های ژرف احادیث فضائل آن بزرگ بگذرانیم، که خودش مظلوم است و فرزند گرامی‌اش وارث مظلومیت او.

۱۱. در چنین فضایی چه می‌شود کرد که گسستن رشته‌های تهمت و افترا – آن هم به بزرگِ بنی‌هاشم که "ابو الائمة" است – خود وظیفه و فرضیه‌ای است. ولی از یاد نبریم که نباید مباحث احتجاجی تمام همّ و غمّ ما را به خود مشغول دارد،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.3.9]

به گونه‌ای که مباحث تبیینی را از یاد بریم و همواره در جایگاه تدافعی بمانیم. کوشیده‌ایم که در این شماره‌های سفینه، از این والا دور نگردیم.

۱۲. در هرحال، امید آن داریم که با گسستن رشته‌های بد زبانی نسبت به حضرت ابوالائمة النجباء، گامی برداریم در راه تقرّب به آن امام امم، منجی موعود عجل‌الله فرجه که در باره‌اش می‌خوانیم: "این المنصور علی من اعتدی علیه و افتری، این قاطع حبائل الکذب و الافتراء". تا خدایش از پردهٔ فراق به در آرد، و روزگار تیرهٔ غیبت به سر آرد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.48.3.9]